**بسم الله الرحمن الرحیم**

**خبر واحد**

**بحث انسداد**

**تنبیهات انسداد**

**تنبیه دوم**

**استاد آیت الله عندلیب همدانی**

**جلسه صد و نوزدهم\_1 تیر 1399**

امر ما دائر بین دو گزینه است اگر قائل به کشف باشیم بنابر انسداد، قضیه مهمله ایی داریم به نام حجیت ظنون، فرض هم می کنیم که بعضی از این ظنون، ظن به اقربیت الی الواقع دارند از آن اشکال اول شیخ چشم پوشی می کنیم، آیا این ظنی که ظن به اقربیتش الی الواقع داریم بر آن مظنه ایی که ظن به اقربیتش الی الواقع نیست، مقدم ام لا؟

شیخ فرمود نه دلیلی نداریم که این مظنه حجت باشد.

در هدایة المسترشدین می خواهد فرق بگذارد بین آنجایی که شما به ظنی مراجعه می کنید آن را دلیل می خواهد بگیرید، خب اصل عدم اعتبار ظنون است و آنجایی که یک مظنه ایی را می خواهید مرجح قرار بدهید. سخن هدایة المسترشدین این است اگر آن ظنونی که احتمال حجیتش را می دهید، متساوی هستند خب هیچی حرفی ندارید، ولی فرض این است که این ظنون متساوی نیستند. اگر متساوی بودند در قضسه مهمله حکم می کردیم به حجیت همه اش، اما اگر این ها مختلف بودند و بعضی از این ها اقرب الی الواقع بود، به آن اقرب مراجعه می کنیم دون الباقی.

بعد خود هدایة المسترشدین اشکالی را به خودش مطرح می کند که این که شما می آیید این اقرب الی الحجیة را مقدم می کنید و آن را مرجع قرار می دهد، خود این یقینی است یا ظنی؟ اگر یقینی است بله یعنی یقینا ظن الف، بر ظن باء مقدم است، خب بله، اما اگر ترجیح دادید ظن الف را بر ظن باء ظنا، خب بالاخره باز اتکال بر ظنون داشتید و قاعده عدم جواز اتکال بر ظنون است و ما قطع نداریم که باید دلیل ما صرف بشود با آن ظنی که ظن به اعتبارش، ظن به اقربیش الی الواقع داریم، خود این بزرگوار اعلی الله مقامه الشریف پاسخ می دهد به حرفش به این که اتکال ما بر ظن به حجیت این مظنه نیست، اتکال ما به ظن به ترجیح این ظن الف بر ظن باء نیست. پس چیست؟

بل التعویل علی القطع بالترجیح.

خب این یعنی چی جناب صاحب هدایة المسترشدین؟ می فرماید اگر ما انسدادی شدیم باید علی سبیل الاهمال قائل بحجیة مظنه باشیم، حال امر ما دائر بین این که یا بگوییم همه این ظنون حجت است یا بعضیش، اگر هم این بعض هم حجت است آن بعضی که مظنون الحجیة است، مرجح دارد و باید بهش اخذ شود یا غیر؟

و قضیة العقل فی الدوران بین الکل و البعض هو الاقتصار علی البعض

چرا؟

اخذاً بالمتیقن

چون بین این 5 تا متیقن این است. اخذا بالمتیقن پس قطع به ترجیح داریم. این که علمای علم میزان و منطق می فرمایند مهمل در قوه جزئیه هست یعنی همین یعنی مهمله را صرف الی الکلیه نکن، بگو همه این ها حجت است، مهمله را صرف الی الجزئیه بکن و آن جزء هم آن چیزی است که یقینا ترجیح بر دیگران دارد یا باید بگویید همشان حجت است، این مال جایی است که ترجیحی نباشد، اگر ترجیح باشد باز هم همه اش بخواهد حجت باشد حتی آنی که مرجوح است، یعنی مرجوح را بر راجح مقدم کنیم، ترجیح بلا مرجح بدهیم، پس بیاییم برای این که ترجیح بلامرجح نباشد، همه هم حجت نباشد، بگوییم آنچه که مظنون الاعتبار است، آن چه که اقرب الی الواقع است، آن حجت است، بله اگر ما در بین این 5 مظنه، ظنی که ظنی به اقربیتش الی الواقع نداشته باشیم، امرمان دائر شد بین این 5 تا، می گوییم همشان حجت است، چون ترجیح بلا مرجح باطل است. اما اگر بعضی بر بعضی ترجیح دارد، دیگر نمی توانید بگویید حکم می کنیم به حجیت همه. آنی که اقرب الی الحجیة است آن را اخذ می کنیم و این جا رجحان ظن الف که ظن به اقربیتش الی الواقع داریم بر ظن باء و جیم و دال، خود این رجحان قطعی وجدانی، این ترجیح دیگر قطعی است ظنی نیست.

و الترجیح من جهته لیس ترجیحا بمرجح ظنی، نیامدیم ظنا الف را بر باء مقدم کنیم، ظن به اقربیت الف الی الباء داریم اما ترجیح الف بر باء، ترجیح قطعی وجدانی، این که مرجح ظنی است، ترجیح را ظنی نمی کند، مرجح ظنی است ولی ترجیح ظن الف بر ظن باء و جیم این ترجیح قطعی است.

خلاصه حرف تا به حال:

اگر امر دائر شد بین 5 مظنه که یکی از این ها ظنی به اعتبارش داریم، یعنی ظن به اقربیتش الی الواقع داریم، تا اینجا شیخ نتوانست بپذیرد مرجح بودن آن ظنی که ظن به اعبتارش داریم بر دیگر ظنون چون ظنی است اما هدایة المسترشیدن می فرماید مرجح ظن الف بر باء و جیم ظنی است اما خود ترجیح الف برباء یان ترجیح دیگر قطعی است. پس ما تعویل بر ظنون نکردیم تا بگویید دلیلی بر اعتبار این ظن نداریم، آن ظن باعث شد قطع به ترجیح پیدا بکنیم. بالمال ما داریم، قطع به ترجیح را عمل می کنیم. دیگر ظن به ترجیح نداریم، مرجح ظنی است اما ترجیح قطعی است. لازمه این که مرجح ظنی است، این نیست که مرجح هم ظنی باشد، این جا مشاهده کردید، ترجیح ظنی است ولی مرجح قطعی است.

ببینیم شیخ در این باره چه می فرماید ان اشء الله جلسه آینده.

و صلی الله علی سیدنا و نبینا محمد صلی الله علیه و آله و سلم.